



دانشگاه یزد
دانشکده زبان و ادبیات
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه
برای دریافت درجه دکتری
زبان و ادبیات فارسی

بررسی بازتاب مفاهیم مقالات شمس در مثنوی مولوی

استادان راهنما:

دکتر مهدی ملک ثابت دکتر یدالله جلالی پندری

استاد مشاور:

دکتر سید محمود الهام بخش

پژوهش و نگارش:

محمد خدادادی

شهریور 1390

تقدیم به پیشگاه

وجود نورانی و مقدّس قطب عالم
امکان

امام زمان (ارواحنا فداه)

قدردانی

سپاس بی کران خویش را تقدیم می دارم
به استادان و ارسته و دانشمندم جناب آقای دکتر
مهدی ملک ثابت، جناب آقای دکتر یدالله جلالی
پندری و جناب آقای دکتر سید محمود الهام
بخش؛ که بدون وجود دریای بی کران علم
ایشان هرگز این رساله به رشته تحریر در نمی
آمد.

همچنین از تمامی استادان بزرگوار
دانشگاه یزد که طی سالیان متمادی در
محضرشان نکته ها آموخته ام ، سپاسگزاری
می کنم.

چکیده

کتاب «مقالات شمس تبریزی» مجموعه‌ای از اقوال و سخنان پراکنده شمس‌الدین محمد تبریزی، عارف نامدار قرن هفتم هجری است که به صورت شفاهی در مجالس مختلف، و در کنار مولانا جلال‌الدین محمد مولوی، بر زبان او جاری شده و مریدان و شاگردان مولانا آنها را به کتابت درآورده‌اند. متأسفانه، این اقوال و نوشته‌ها به همان صورت پراکنده و بدون طبقه‌بندی مشخص باقی مانده است.

در این پژوهش، ابتدا به طبقه‌بندی مفاهیم مختلف موجود در مقالات شمس پرداخته و آنها را به صورت ساختارمند در کنار هم قرار خواهیم داد. به این ترتیب، بخش اعظم دشواری‌های مقالات شمس که همان پراکندگی مفاهیم موجود در آن است، برطرف خواهد شد و نظریات و اندیشه‌های عرفانی، فلسفی، کلامی و ... شمس به خوبی روشن خواهند شد.

در بخش دیگری از این پژوهش، به بررسی میزان بازتاب مفاهیم مختلف مقالات شمس در مثنوی مولوی می‌پردازیم. هدف ما این است که به دور از افسانه‌پردازی‌هایی که در مورد تأثیرات شمس بر مولوی بیان می‌شود، به گونه‌ای علمی تأثیر سخنان شمس در مثنوی مولوی را مورد بررسی قرار دهیم. به همین منظور در هر بخش به بیان دیدگاه‌های سایر عرفا، حکما و فلاسفه پرداخته، سپس ضمن بیان ساختارمند عقاید شمس به بررسی انعکاس آنها در مثنوی خواهیم پرداخت. به همین منظور، در این پژوهش به بررسی بازتاب حکایتها، تأویلهای قرآنی، تأویلهای حدیثی، مفاهیم عرفانی (اعم از هفت وادی سلوک و سایر مفاهیم عرفانی) و اندیشه‌های فلسفی و کلامی مقالات شمس تبریزی در مثنوی مولوی پرداخته شده و در فصول جداگانه به طور مفصل و کامل در هر باب توضیحات و شواهد لازم عرضه خواهد شد.

این پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف تصور برخی از تذکره‌نویسان و محققان، شمس به اکثر علوم متداول روزگار خودآشنایی کامل داشته و نظریات قابل توجهی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی بیان داشته است. علاوه بر این، مشخص می‌گردد که سرچشمه و آبشخور بسیاری از

اندیشه‌ها و تفکرات مولانا جلال‌الدین محمد مولوی، که آنها را در مثنوی خود بیان داشته، مقالاتِ شمس‌الدین محمد تبریزی بوده است.

کلمات کلیدی (فارسی و انگلیسی):

ادبیات عرفانی، شمس‌الدین محمد تبریزی، مقالات شمس، مولوی، مثنوی معنوی.

Gnostic Literature, Shams-e Tabrizi, Moghalat-e Shams, Molavi,
Masnavi – e Manavi.

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
پیشگفتار	ک
فصل اول - مبادی تحقیق	
1-1 تعریف موضوع	2
2-1 پیشینه تحقیق	3
3-1 سؤالات پژوهشی	4
4-1 روش تحقیق	5
فصل دوم - شمس تبریزی	
1-2 شمس از دیدگاه دیگران	7
فصل سوم - تصویر شمس در مقالات او	
1-3 از طلوع تا غروب زندگی شمس	16
فصل چهارم - تصویر مولوی در مقالات شمس	
1-4 سه تصویر متفاوت از مولوی در مقالات	25
فصل پنجم - تصویر شمس در مثنوی مولوی	
1-5 تصویری متعالی اما در پرده	31
فصل ششم - مقالات شمس تبریزی	
1-6 دشواریها و ارزشهای مقالات شمس	37
فصل هفتم - بازتاب حکایتهای مقالات شمس تبریزی در مثنوی مولوی	
1-7 اهمیت حکایت در مقالات شمس	43
2-7 قصه آنکه گنج‌نامه‌ای یافت	45

- 3-7 قصه مرغ خانگی و بط بچگان 51
- 4-7 حکایت ابراهیم ادهم و تحوّل او 53
- 5-7 حکایت سلطان محمود و ایاز و جواهر قیمتی 58
- 6-7 حکایت هارون الرشید و لیلی 65
- 7-7 حکایت شتر و استر 68
- 8-7 حکایت بایزید بسطامی و پیشگوی او از آمدن خرقانی 75
- 9-7 حکایت آن شخص که سحوری بر در می زد 78
- 10-7 حکایت نایزن 83
- 11-7 حکایت موشی که مهار اشتری به دهان گرفته بود 85
- 12-7 حکایت آرایشگر و مرد سپیدریش 90
- 13-7 حکایت آن صوفی که سر بر زانو نهاد 93
- 14-7 حکایت شیخ در وقت نزع 95
- 15-7 حکایت آنکه زمین را می شکافت 97
- 16-7 حکایت پادشاه و سه فرزند او 100
- 17-7 حکایت بایزید و حج رفتن او 110
- 18-7 حکایت تیرانداز و سوار بی هنر 116
- 19-7 حکایت سخن گفتن هندوان در نماز 118
- 20-7 حکایت نصح و توبه او 119
- 21-7 حکایت آنکه سوراخ دعا را گم کرده بود 126
- 22-7 حکایت سبب نام گذاری فرجی 128
- 23-7 حکایت آن سه مسافر مسلمان ، ترسا و جهود 129
- 24-7 حکایت کری که از آسیا می آمد 134

فصل هشتم - بازتاب تأویلهای شمس تبریزی در مثنوی مولوی

- 142..... تأویل و اهمیت آن
- 144..... 1-8 تاریخچه هرمنوتیک (علم تأویل)
- 145..... 2-8 تأویل و تفسیر در اسلام
- 147..... 1-2-8 تعریف تأویل و تفسیر
- 149..... 2-2-8 ترادف و تباین بین تأویل و تفسیر
- 151..... 3-2-8 تأویل عقلی و تأویل کشفی
- 154..... 3-8 نظریات کلی شمس در باب تأویل و بازتاب آنها در مثنوی مولوی
- 155..... 1-3-8 هر سخنی قابل تأویل نیست
- 158..... 2-3-8 لزوم دانستن تأویل
- 159..... 3-3-8 آشنایان به حریم تأویل
- 161..... 4-3-8 ظاهر و باطن قرآن
- 164..... 5-3-8 تشویق به تأویل
- 166..... 4-8 تأویلات قرآنی شمس و بازتاب آنها در مثنوی مولوی
- 166..... 1-4-8 تأویل جنت به درک حقیقت خداوند
- 167..... 2-4-8 تأویل «شان» به امداد الهی
- 168..... 4-4-8 تأویل «ارنی» به «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ»
- 170..... 5-4-8 تأویل جهاد به عنایت حق
- 173..... 5-8 تأویل احادیث نبوی توسط شمس و بازتاب آنها در مثنوی
- 174..... 1-5-8 تأویل زن به نفس
- 175..... 2-5-8 تأویل سواد اعظم به عارف کامل
- 176..... 3-5-8 تأویل نفحات به نفس بنده مقرب
- 178..... 4-5-8 تأویل وطن به حضرت (بارگاه) خداوند

179	5-5-8 تأویل دین عجائز به نیاز و تسلیم.....
180	6-5-8 تأویل حدیث : « أَكثَرُ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْبُلَّةُ ».....
فصل نهم - هفت وادی سلوک در مقالات شمس و بازتاب آنها در مثنوی مولوی	
184	1-9 سلوک و هفت وادی آن در مقالات شمس و بازتاب آن در مثنوی مولوی.....
185	1-1-9 سلوک.....
188	2-1-9 ضرورت سیر و سلوک.....
190	3-1-9 طلبِ اصل، در سلوک.....
192	4-1-9 پیروی از انبیاء و اولیاء؛ شرط موفقیت سلوک.....
193	5-1-9 تلاش و رنج در مسیر سلوک.....
196	6-1-9 در سلوک به هیچ مرتبه‌ای نباید راضی شد.....
198	7-1-9 گشایش باطن و تحصیل علم، دو روش سلوک.....
200	8-1-9 نفی خودپرستی، رمز موفقیت در سلوک.....
202	9-1-9 یارِ سلوک.....
203	10-1-9 تغییر حال در سلوک.....
208	2-9 طلب.....
210	1-2-9 طلب کردن همچون یافتن است.....
212	2-2-9 صدق و پیوستگی در طلب.....
215	3-9 عشق.....
217	1-3-9 قدیم بودن عشق.....
220	2-3-9 عشق و سوسه سوز است.....
221	3-3-9 عشق مجازی پلی به عشق حقیقی.....
223	4-3-9 یگانگی عاشق و معشوق.....
226	5-3-9 عاشق راستین طالب درد است.....

- 229..... 4-9 معرفت
- 231..... 1-4-9 معرفت خداوند مشکل است
- 232..... 2-4-9 راه معرفت از طریق دل است
- 236..... 3-4-9 حقیقت معرفت
- 237..... 4-4-9 معرفت به خداوند به وسیله معرفت به پیامبر (ص)
- 241..... 5-9 استغنا
- 243..... 1-5-9 بی‌توجهی و بیزاری از دنیا
- 244..... 2-5-9 حذر کردن دوزخ از مؤمن مستغنی
- 246..... 3-5-9 فقر ظاهری و فقر معنوی
- 249..... 4-5-9 مقام والای فقر
- 251..... 6-9 توحید
- 253..... 1-6-9 توحید حقیقی
- 255..... 2-6-9 یگانگی پیر و مرید
- 259..... 3-6-9 یگانگی جان اولیاء
- 261..... 7-9 حیرت
- 263..... 1-7-9 سالک در وادی حیرت از سخن گفتن باز می‌ایستد
- 265..... 2-7-9 غرقه گشتن در وادی حیرت
- 266..... 3-7-9 پی بردن به حقایق در وادی حیرت
- 268..... 8-9 فنا
- 270..... 1-8-9 انسان کامل
- 272..... 2-8-9 فنا، ناشناخته‌ترین وادی
- 274..... 3-8-9 موصوف شدن به صفات الهی
- 276..... 4-8-9 حیات الهی (بقاء بالله)

278 5-8-9 در مقام فنا متکلم خداست
280 5-8-9 یگانگی پیر با خدا (مقام انسان کامل)
فصل دهم - بازتاب سایر مفاهیم عرفانی مقالات شمس تبریزی در مثنوی مولوی	
284 1-10 ولایت
287 1-1-10 ولی و ولایت
290 2-1-10 اوصاف اولیاء
290 1-2-1-10 یکرنگی اولیاء
291 2-2-1-10 قدرت همنشینی با اقشار مختلف
294 3-2-1-10 آگاهی از خواطر
296 4-2-1-10 رهایی از بیم مرگ و قیامت
298 5-2-1-10 ظرفیت والای اولیاء
299 6-2-1-10 علم لدنی
302 3-1-10 پنهان بودن اولیاء
305 4-1-10 شناخت اولیاء و نشانه های ایشان
306 1-4-1-10 مستجاب الدعوه بودن
307 2-4-1-10 شادی بخشیدن به دل و جان
308 3-4-1-10 اسرار دانی و هیبت
309 5-1-10 ولی بزرگ غایب
313 2-10 پیر و مرید
315 1-2-10 ضرورت وجود پیر
319 2-2-10 تحذیر از مدعیان
320 3-2-10 برکات تشرّف به خدمت پیر
327 4-2-10 اوصاف پیر

- 329.....1-4-2-10 دستگیری از سالکان.....
- 329.....2-4-2-10 رحمت و مهربانی پیر.....
- 330.....3-4-2-10 آگاهی به ضمائر.....
- 333.....4-4-2-10 آگاهی پیر بر احوال و خواطر مرید.....
- 334.....5-4-2-10 آگاهی پیر بر واقعه‌ها و خوابهای مرید.....
- 335.....6-4-2-10 اشراف پیر بر عالم ارواح و سایر عوالم.....
- 337.....7-4-2-10 احترام به اسباب و لوازم دنیوی.....
- 337.....8-4-2-10 قدرت تصرف در جهان.....
- 338.....5-2-10 عنایت پیر.....
- 340.....6-2-10 مکر پیر.....
- 345.....7-2-10 مرید.....
- 347.....8-2-10 وظایف مرید.....
- 347.....1-8-2-10 اطاعت محض.....
- 350.....2-8-2-10 سکوت در محضر پیر.....
- 353.....3-8-2-10 حضور در پیشگاه پیر.....
- 356.....4-8-2-10 اعتقاد راسخ به پاکی پیر.....
- 362.....3-10 اسرار.....
- 364.....1-3-10 سرّ پوشی.....
- 365.....2-3-10 خاموشی واقفان بر اسرار.....
- 366.....3-3-10 همه کس قابلیت شنیدن اسرار را ندارد.....
- 368.....4-3-10 آنچه مانع دریافت اسرار است نفس و هوی است.....
- 369.....5-3-10 سخنان عامیانه و هزل گونه شمس، اسرار و تعالیم الهی است!
- 371.....4-10 عنایت.....

- 373.....1-4-10 عنایت، مقدم بر طلب است ...
- 376.....2-4-10 عنایت حق، حفظ‌کننده سالک
- 378.....3-4-10 عنایت حق در جوشش است
- 379.....4-4-10 عنایت خاصان حق
- 381.....5-10 ریاضت
- 382.....1-5-10 کسب استعداد و مصونیت از غرور و آفات در سایه ریاضت
- 385.....2-5-10 ریاضت باعث صفای درون می‌شود
- 386.....3-5-10 در خرابی، عمارتهاست!
- 388.....4-5-10 ضرورت ریاضت و توقف آن
- 389.....5-5-10 عشق الهی از ریاضت کارسازتر است
- 391.....6-10 خاموشی
- 393.....1-6-10 خاموشی راهی به سوی حقیقت
- 395.....2-6-10 شکوفا شدن معانی و نجات در سایه خاموشی
- 397.....3-6-10 خاموشی در برابر بزرگان
- 401.....7-10 ذکر
- 403.....1-7-10 عارف از ذکر محبوب خسته نمی‌شود
- 404.....2-7-10 شرایط و آداب ذکر
- 409.....3-7-10 ذکر حق پاک‌کننده است
- 411.....4-7-10 ذکر زبانی و قلبی
- 414.....8-10 دعا
- 415.....1-8-10 دعا و اجابت آن از خداست
- 416.....2-8-10 کارهای سخت و غیرممکن با دعا ممکن می‌شود
- 417.....3-8-10 اظهار نیاز؛ شرط اجابت دعا

- 419..... 10- 8- 4 کمال محبت خداوند به بنده؛ دلیل اجابت نشدن دعا.....
- 422..... 10- 9 خلوت.....
- 423..... 10- 9- 1 لزوم خلوت.....
- 424..... 10- 9- 2 نفی رهبانیت.....
- 426..... 10- 9- 3 خلوت از اغیار باید نه ز یار.....
- 427..... 10- 10 سماع.....
- 429..... 10- 10- 1 سماع حلال و سماع حرام.....
- 431..... 10- 10- 2 سماع؛ رفع کننده نقص و حجاب.....
- فصل یازدهم - بازتاب مفاهیم کلامی - فلسفی مقالات شمس تبریزی در مثنوی مولوی**
- 436..... 11- 1- 1 علم کلام.....
- 436..... 11- 1- 1- 1 تعریف علم کلام.....
- 437..... 11- 1- 2 تاریخچه علم کلام.....
- 438..... 11- 1- 3 دلایل نامگذاری علم کلام.....
- 439..... 11- 1- 4 موضوع علم کلام.....
- 439..... 11- 1- 5 فایده علم کلام.....
- 440..... 11- 1- 6 تفاوتها و شباهت‌های کلام و فلسفه.....
- 441..... 11- 2- 1 فلسفه.....
- 442..... 11- 2- 1- 1 تعریف فلسفه.....
- 443..... 11- 2- 2- 1 پیشینه مختصر فلسفه.....
- 445..... 11- 3- 1 نظریات شمس در باب فلسفه و بازتاب آنها در مثنوی مولوی.....
- 447..... 11- 3- 1 محدودیت ادراکات فلسفی.....
- 450..... 11- 3- 2 رجحان خداشناسی شهودی بر خداشناسی استدلالی و فلسفی.....
- 453..... 11- 3- 3 تقابل فلاسفه با انبیاء.....

459.....	4-11 اندیشه‌های کلامی شمس و بازتاب آنها در مثنوی مولوی.....
459.....	1-4-11 ایمان.....
461.....	1-1-4-11 ایمان درجات مختلف دارد.....
462.....	2-1-4-11 ایمان؛ مخالفت با نفس.....
463.....	3-1-4-11 ثبات ایمان مؤمن.....
465.....	4-1-4-11 قابلیت کسب ایمان.....
466.....	2-4-11 جبر و اختیار.....
468.....	1-2-4-11 نقد تفکرات جبرگرایانه.....
473.....	2-2-4-11 جبر تحقیقی و جبر تقلیدی.....
475.....	3-2-4-11 جمع بین جبر و اختیار.....
477.....	3-4-11 حدود و قدم عالم.....
483.....	4-4-11 رؤیت.....
494.....	نتیجه گیری.....
498.....	منابع و مأخذ.....

فهرست جدولها

عنوان جدول شماره صفحه

- جدول 7-1 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت آنکه گنج‌نامه‌ای یافت.....50
- جدول 7-2 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت مرغ خانگی و بط بچگان.....53
- جدول 7-3 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت ابراهیم ادهم.....55
- جدول 7-4 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت سلطان محمود و ایاز و جواهر63
- جدول 7-5 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت هارون‌الرشید و لیلی.....67
- جدول 7-6 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت شتر و استر(1).....69
- جدول 7-7 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت شتر و استر(2).....74
- جدول 7-8 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت آن شخص که سحری بر در می‌زد82
- جدول 7-9 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت نایزن84
- جدول 7-10 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت اشتر و موش.....89
- جدول 7-11 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت آرایشگر و مرد سپیدری.....92
- جدول 7-12 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت آن صوفی که سر بر زانو نهاد94
- جدول 7-13 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت آنکه زمین را می‌شکافت99
- جدول 7-14 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت پادشاه و سه فرزند او.....108
- جدول 7-15 بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت بایزید و حج رفتن او.....112

جدول 7-16	بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت تیرانداز و سوار بی هنر....	117
جدول 7-17	بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت توبه	
	نصوح	24
جدول 7-18	بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت آنکه سوراخ دعا را گم کرده	
	بود	127
جدول 7-19	بازتاب عبارات مقالات شمس در مثنوی ضمن حکایت آن سه مسافرِ مسلمان، ترسا و	
	جهود	134

پیشگفتار

بیش از هفتصد سال از روزگارِ ظهور و حضورِ شمس‌الدین محمد تبریزی و مولانا جلال‌الدین محمد مولوی در این سرایِ خاکی می‌گذرد؛ با وجود این، هنوز سخن دربارهٔ ایشان به پایان نرسیده است. چه نیرویی در وجود این بزرگ مردان، وجود داشته که هنوز جاذبهٔ مغناطیس سخنان و کلماتِ ایشان مردمان این سرایِ پُر از آشوب را به حال خود رها نمی‌کند؟ در روزگاری که دروغ، ریا و غفلت در اکثر جوامع دور و نزدیک رخنه کرده و بسیاری از فرزندان آدم در دام شیاطین جن و انس اسیر شده‌اند؛ چه عظمتی در اندیشه، گفتار و زندگی شمس و مولوی وجود دارد که هنوز در این آشفته بازار، چراغ حکمت و معرفتِ ایشان چون ماه در شب دیجور می‌درخشد؟

براستی که اگر ذره‌ای از نورِ مقدس حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی (ص) و ولایتِ شاه اولیاء (ع) بر وجود این بزرگان نمی‌تابید، دیری نمی‌پایید که چراغ سخن ایشان نیز همچون بیشتر معاصرانشان به خاموشی می‌گرایید؛ اما هر چراغی که با ذاتِ مشعشع مصطفوی و وجودِ نورانی مرتضوی روشن شود، حتی اگر سراسر عالم را سیاهی و ظلمت فراگیرد، خاموش نخواهد شد. شمس و مولوی هر دو شراره‌ای از آن وجودها و جلوه‌ای از آن مظاهر عظمای الهی‌اند.

پس خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که ما را از پیروان و محبتان انبیاء و اولیاء و شاگرد مکتب عارفان راستین قرار داده و به این طریق در این شب تاریکِ روزگار، قلبهای یخ زدهٔ ما را به گرمای حرارت وجودِ عارفانش گرمی بخشیده است.

بیش از هفتصد سال از ماجرای دیدار شگفت‌انگیز شمس و مولوی می‌گذرد. دیداری که از فقیه، واعظ و سجاده‌نشین با وقار شهر قونیه، عاشقی ساخت که از بامداد تا شامگاه ذکر «هو، هو، یا من هو» بر زبان، پایکوبان و دست افشان، در میانه میدانِ عشق حضرت دوست، «یک دست جام باده و یک دست زلف یار»، به سماع ربّانی و رقص الهی می‌پرداخت.

براستی شمس در گوش مولوی چه زمزمه‌ای سر داد که این‌گونه وجود او را دگرگون و متحوّل ساخت؟

عده‌ای در پاسخ این سؤال در ماندند و دست به افسانه سرایی زدند و شمس را ساحر و مولوی را مجنون خواندند. عده ای دیگر به مصداق «کافر همه را به کیش خود پندارد» دست به دامان تفکرات مالیخولیایی خویش شده و نسبت‌های ناروا بر ایشان بستند و گروهی از دشمنان دوست نما، تاب این محبت و عشقِ اثیری را نیاورده و با نیشتر تهمت و ناسزا و توطئه، آن دو یار الهی را از هم جدا ساخته و مولانا را در اندوه فراق شمس نشانند. همین گروه اخیر بودند که تنها اثر به جا مانده از شمس تبریزی، یعنی «مقالات» او را برای هفتصد سال از دیده‌ها پنهان کرده و گاه منکر چنین اثری شدند! براستی چرا کتاب «مقالات شمس» این همه در میان مریدان مولوی و مولویه مورد بی مهری قرار گرفت و تنها کتابی از گنجینه خاندان مولویه بود که از سواد به بیاض نینجامید؟ شاید این پاسخ همان سؤال باشد که بی جواب مانده است: آنچه شمس در گوش مولوی زمزمه کرد.

اگر چه کتاب «مقالات شمس»، تنها بخشی از سخنانی است که شمس برای مولوی بیان نموده، ولی باید دانست که مشتمل نمونه خروار است. در حقیقت، راز دگرگونی مولوی را باید در همین سخنان به ظاهر پراکنده جستجو کرد. سخنانی که در عین سادگی، همچون گوهرهایی رنگارنگ از پس آبگینه صافی، می‌درخشند؛ سخنانی که گاه، چون «یاقوت مذابنند» و گاه، چون «زمرّد سوده»! گاه، سُکر آورند و گاه، خواننده را در چنان خلسه‌ای فرو می‌برند که آدمی گمان می‌کند هرگز از آن خارج نخواهد شد.

بی‌تردید، همین سخنان و صدها، بلکه هزاران کلام شبیه به این سخنان که شمس در گوش مولوی زمزمه می‌کرده باعث آن دگرگونی ژرف روحی مولوی شده است. بنابراین، تنها با درک عمیق و صحیح این سخنان است که می‌توان غبار افسانه سازی‌ها و داستان‌پردازی‌ها را از حکایت پایان‌ناپذیر شمس و مولوی کنار زد و به حقیقت ماجرای ایشان پی برد.